



باید ها و نباید های
فصل جدید لیگ برتر (۲)
از داوری ها
تا برنامه لیگ

رسانه مستقل

روزنامه اقتصادی - ورزشی

دنیای سه وادار

www.donyayehavadar.ir

سه شنبه ۴ تیر ۱۳۹۸ - قیمت: ۱۰۰۰ تومان

۲۴۷

احترام به حقوق واقعی زنان را دسته کم نگیریم



ضرورت های برخورد جدی و چند وجهی

با قاتلان توله خرس

نقد فیلم «دله دزدهای فروشگاه»

کارکرد «خانواده»

در نظام های سرمایه داری



سازمان امور مالیاتی کشور

قابل توجه مودیان محترم مالیات بر ارزش افزوده

مهلت ارائه الکترونیکی اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده دوره بهار ۹۸
طریق سامانه www.evat.ir حداکثر تا ۱۵ تیر ماه سال جاری است.

شناسه آگهی: ۵۰۹۸۲۷

اداره روابط عمومی امور مالیاتی استان البرز



سازمان امور مالیاتی کشور

ضرورت های بر خورد جدی و چند وجهی با قاتلان توله خرس



هایی چون داعش خود گواه بر این مدعاست. قطعاً در هر جامعه ای از این دست جانوران بیمار وجود دارد که در زمانه هایی خاص استعداد خود را در بروز و ظهور وحشی گری به نمایش می گذارند و لزوم پرداختن به این ها و چپستی و چگونگی روند تبدیل شدن انسان به چنین هیولاهای بی رحمی، آن هم قبل از اینکه یک شرایط فراگیر برای پرورش استعداد های (!) جنایتکارانه این جانداران به وجود آید یک ضرورت است.

با توجه به اینکه ما در منطقه ای با کالیبر پایین نفوذ مدنیت در کثیری از همسایگانمان هستیم و امکان توسعه بسیاری از اندیشه های خطرناک چون سلفی گری و قوم گرایی را همین امروز هم حس می کنیم باید این مسئله را خیلی جدی مدنظر قرار داد که این دست موجودات آدمخوار طعمه بسیار خوبی برای این نوع اندیشه ها هستند و در آن مغری برای بروز استعداد های شگرف وحشیانه خود می یابند که به احتمال بسیار در حیطه ی کشتن وحشیانه توله خرس



رضا تواضعی

حال که سر و صدای مربوط به سنگ باران کردن و کشتن توله خرس نگون بخت توسط افرادی هیستریک و حیوان صفت کمی خوابیده می توان در باب آن با واقع بینی بیشتری سخن گفت. تصاویر زشت و دلخراش سنگباران شدن یک توله خرس توسط مشتیان اوباش که زخم بر هر روح و ذهن سلیم می زند، خون از سینه انسانیت جاری می کند. به شدت معتقدم فروکاستن این مسئله به حیوان آزاری و حفظ محیط زیست به شدت غلط و دارای تبعات بسیار حتی در عرصه امنیت ملی است. تاریخ ایران و حتی وقایع اخیر منطقه به خصوص طلوع موجوداتی با سبوعیت و ددمنشی حیرت انگیز در غالب گروه

بررسی جامع الاطراف و بدون روتوش و زیر فرش زدن، این مسئله ی قبیح بر آفتاب افتاده را واکاوی کنند و آنچه باید برای حل معضل انجام دهند. و در آخر گرچه این مسئله باید در دستگاه های نظارتی و فرهنگ ساز کشور موشکافی و پایش شود اما لزوم برخورد جدی با این مسئله در دستگاه قضائی با عنوانی بسیار بیش از حیوان آزاری هم یک ضرورت است.

محصور نخواهد ماند. بر تمامی دستگاه های فرهنگ سازی کشور و حتی دلسوزان این مرز و بوم است که این پدیده را بدون تویخ و تحقیر فرهنگ ایرانی و اسلامی مان بررسی کنند و اتفاقاً از امانت های فرهنگ ساز و انسانیت بخش بنیادهای ایرانی و اسلامی مان در راه از بین بردن و یا دسته کم، کمتر کردن چنین ناهنجاری هایی استفاده کنند و با



تلخک

میزهای با کیفیت جهان!

یکی از باکیفیت ترین میزهای جهان که تحمل وزن بسیار زیادی را دارد، میز ریاست جمهوری آمریکا است. میزی که نیکسون و کندی و کارتر و بوش ها و کلینتون و اوباما و این آخری ترامپ پشت آن نشسته اند و امضاها زده اند و شده است آنچه نباید می شد. در کنار توافق ها و قراردادهای و تحریم ها و امضاها و خودکارها و کاغذها و پرچم ها و میکروفون ها یک چیز دیگری که همیشه روی میز بوده گزینیه نظامی بوده که نشان از استقامت و کیفیت بالای این میز دارد. در نظر بگیرید انبوهی از جنگنده و ناو و تانک و موشک انداز روی این میز قرار دارد. به هر حال این میز را شرکت بویینگ هم که ساخته باشد، بالاخره یک عمر مفیدی دارد. پیشنهاد ما به مسئولین امریکایی این است که اقلاً این گزینیه نظامی سنگین وزن را از روی میز بردارند و کنار میز روی زمین بگذارند تا خدای نکرده پایه های میزشان سست و متزلزل نشود!!! و گر نه که عواقب امر با خودشان خواهد بود.

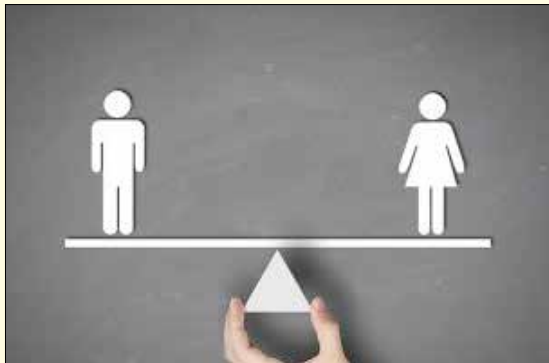
جنبش المپیزم

المپیزم فلسفه و روشی از زندگی است که بر پایه احترام به ارزشهای انسانی و اصول اخلاقی پایه، لذت بردن از تلاش، شرکت در فعالیتهای ورزشی و نقش تربیتی الگوهای انسانی استوار شده است. هدف المپیزم آن است که ورزش را در خدمت رشد و تعالی انسان قرار دهد و جامعه ای صلح آمیز با حفظ ارزشهای والای انسانی بنا کند. حالا در روز جهانی بزرگداشت المپیک این سوال پیش می آید که تا چه حد این اهداف در دنیای امروز ما محقق شده است. اهدافی که کویر تن، بنیانگذار المپیک نوین با تمام وجود به آن پایبند بود. همانطور که می دانید، المپیک سال هاست که در دوره های مستمر برگزار می شود و ورزشکاران زیادی با هدف گسترش صلح و توسعه اصول اخلاقی از سراسر جهان در آن حضور می یابند. اما از همان ابتدا سایه سیاست بر سر آن سنگینی داشته و به عنوان مثال در زمان جنگهای جهانی اول و دوم در اجرای این مسابقات وقفه انداخته است. حضور کشورهای دارای مخاصمه در کنار هم از نشانه های توفیق این مسابقات بوده اما برخی از این دعاوی انقدر بنیادین و ایده اولوژیک است که از رودرو شدن به صورت مستقیم با هم پرهیز می کنند.

قطعاً المپیک، رویدادی فراتر از ورزش است و از معدود گردهمایی های صلح آمیز جهان است. رقابتهای سالم که با رنگ و بوی ورزش از هیجان و نشاط ویژه ای برخوردار است. در این گردهمایی کسی سخنرانی نمی کند، کسی تهدید نمی کند. برنده دست بازنده را بالا می برد، ورزشکاران به مصدومیت رقیب خود نگاه توفیقی ندارند و هر کس کاری از دستش بر بیاید برای رقیبش انجام می دهد. شاید اگر سیاستمداران جهان منش ورزشی و پهلوانی داشتند و پیش از مدیر بودنشان ورزشی بودند حالا حال جهان طور دیگری بود. اما افسوس که نه تنها چنین نیست که در اغلب کشورها و سازمان های ورزشی جهانی حتی مدیران ورزشی نیز اگر ورزشکار هم باشند اول سیاستمدارند و بعد ورزشکار. و همین امر اخلاق حاکم بر ورزش را تحت تاثیر قرار داده است. مساله ای که در کشور ما نیز گریبان مدیریت ورزشی کشور را گرفته و به بهانه لزوم ارتباطات سیاسی و اقتصادی در مدیریت کلان سازمان های ورزشی، دست مدیران کاربلد ورزش را از رسیدن به پست های مدیریتی درخور ایشان دور نگه داشته و این جایگاه های تصمیم ساز پراهمیت را در اختیار افرادی قرار داده که از مسیر ورزش به دنبال رانت های سیاسی و اقتصادی مورد نظر خودشان هستند. مسیری که نتایج به دست آمده از تربیت هزاران مدیر ورزشی تحصیل کرده در دانشگاه های کشور و هزینه های مرتبط با این آموزش های آکادمیک را به باد داده است.

خیلی ساده می توان با بررسی تحصیلات مدیران مجموعه های ورزشی دولتی و نیمه دولتی وجود افراد نامرتبط در این حوزه را مشاهده کرد، و این روند ادامه دارد تا مدیریت های کلان ورزش کشور.

احترام به حقوق واقعی زنان را دسته کم نگیریم



نیست بلکه بر اصل حضور اجتماعی زن با تعریف التذاذ مدار است که بیش از زنان این مردان هستند که از آن کامیاب و مشغوف می شوند. صدا البته در همان غرب هم مقاومت هایی در قالب های مختلف در مقابل آن انجام شده و می شود اما نیروی رسانه و سرمایه های پشت سر آن، آنچنان بر طبل این نوع اندیشه ها می کوبند که صدهای دیگر مجالی برای طرح و توسعه خود نمی یابند و اینچنین است که امروز مغرب زمین با معضلات بسیاری در باب حضور اجتماعی زنان با

نظر بر پارادایم تنانگی زنانه در اجتماع، مواجه شده است و البته قبل از آن این خانواده بوده که در مسیری آرام ولی پیوسته چفت و بست هایش را از دست داده و در حال فروریزی است. و اما امروز تاثیر این فروریزی را در کاهش شدید رشد جمعیت و به طبع آن رشد مهاجر پذیری برای رفع این کمبود جمعیت (به عنوان نیروی کار) و مشکلات بین فرهنگی بومیان و مهاجرین در اروپا می بینیم. مسئله ای که بسیاری آن را تا حد دلایل بروز جنگ ها می دانند.

معضلی که امروز با تزریق این اندیشه ها در قالب بی مرزی القاء های فرهنگی جامعه ما را هم در نوردیدن است و بالا رفتن رشد طلاق به خصوص در شهرهای بزرگ و پدیده های نوظهوری چون ازدواج سفید از محصولات پیدای آن هست. اما حقیقت حقوق زنان که به خصوص



مهررداد تیموری

سال ها مفتون و شیدایی مفاهیم مطروحه در اندیشه های نوین غربی در باب حقوق بودم و صدا البته و جاهتی که برای این اندیشه های به ظاهر به روز و مدرن قائل بودم برای اندیشه های دینی و ایران شهری خودمان قائل نبودم. آن چنان در بند زرق و برق این معرفت شناسی ها بودم که فکر می کردم کلید همه اسرار را یافته ام و راه برون رفت از تمامی بن بست های اجتماعی را در دل بستن و آویختن به این حیل جمیل می دیدم و دیگر چنان در این غرقابه فرو رفته بودم که فکر می کردم رویین تن شده ام و پاسخ جمله معضلات را یک جا در انبان دارم.

اما وقتی سنم کمی بالاتر رفت و مسائل را کمی با دید بازتر و عینی تر و فارق از مفتونی کلمات فلاسفه غربی دیدم به حقایق بزرگی رسیدم و شاید بزرگترین تلنگر را بحث حقوق زنان و مسئله خانواده به بنده زد.

آن چه در غرب برای حقوق زن تعریف می شود مبتنی بر جلوه گری و حضور اجتماعی زن است. به عبارتی مهوور تکریم برای زنان بجای تکریم جایگاه روحانی زنانه در غالب اولویت مادری

دارد که با زدودن برخی از زنگارها از آن و در انداختن و بازشناسی آن در جامعه کثیری از مشکلات ملک و ملت در این باب را رفع و منحل می کند. حقوق حقه زنان در برابری با مردان و نه مساوات با آن هاست چرا که گاهی زنان نیاز به حمایت بیشتر دارند و خانواده باید به عنوان بزرگترین سنگر برای حفظ این حقوق به بالنده ترین شکل ان حمایت شود. مسئله زنان و حفظ کرامت آنان و به طبع حفظ حریم و حرمت و اقتدار خانواده که زن رکن رکن آن است فراتر از آنچه گفتم یک مسئله استراتژیک و حتی امنیتی برای ماست که اگر امروز به آن توجهی مقبول واقع نشود مطمئن باشید در آینده با ضربات بزرگی در عرصه های اخلاقی و جمعیتی و به طبع ان امنیتی مواجه خواهیم شد. اثر پروانه ای احترام به حقوق واقعی زنان را دسته کم نگیریم.

در اندیشه های مبین دین ما و تفکر ایران شهری آمده است حفظ تمام عیار کرامت زنان هم در حیطه خانه و هم در حیطه اجتماع است. به عبارتی قدرت مردانه باید در خدمت حفظ کرامت زنان چه به عنوان مادر و چه به عنوان یک عنصر اجتماعی قرار گیرد و چهارچوب های التذاذ غریزی هم در حصاری معقول چون خانواده و در راستای رشد و تعالی فرد و اجتماع به شکل توأمان تعریف شده است و هرگونه افسار گسیختگی در این باب که قطعاً قربانی بزرگ آن زنان هستند به درستی و به شدت از طرف قانون سرکوب شده است. هیچکس منکر آفتی که هر اندیشه ای می تواند محمل آن شود نیست اما این اندیشه با تمامی آفتی که گاهی بخاطر کج فهمی و اعوجاج نظرات برخی از عوام و حتی خواص جامعه به آن دچار شده، آن قدر بار معرفتی و اجتماعی داشته و

خبر

کنترل نامحسوس دفترخانه ها!

معاون قوه قضائیه و رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با اشاره به کنترل نامحسوس نحوه و کیفیت خدمت رسانی به مردم از سوی دفاتر اسناد رسمی و ادارات ثبت گفت: به طور قطع آثار مثبت کنترل نامحسوس ارائه دهندگان خدمات ثبتی به مردم بیش از کنترل و بازرسی محسوس آثار مثبت به همراه دارد و به همین دلیل سعی داریم از این پس این موضوع را به صورت جدی دنبال کنیم.

به گزارش دنیای هوادار به نقل از دنیای اقتصاد، ذبیح الله خداییان، معاون قوه قضائیه و رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اعلام کرد: به دنبال تمهیدات اندیشیده شده برای کاهش بوروکراسی اداری و تقلیل زمان انتظار برای ثبت اسناد رسمی، این زمان هم اکنون برای انتقال اسناد تک برگی به طور متوسط ۲ تا ۳ روز و برای انتقال اسناد دفترچه‌ای بین یک هفته تا ۱۰ روز به طول می‌انجامد.

با این حال گزارش‌های مردمی حاکی است که در برخی موارد این زمان تا بیش از یک ماه نیز به طول می‌انجامد که دیروز رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در این باره گفت: باید بررسی شود که در آن موارد چه عواملی منجر به طولانی شدن زمان انتقال سند و ارائه آن به مالک جدید شده است؛ ممکن است در برخی موارد فرآیندهای پستی منجر به طولانی شدن زمان انتظار برای دریافت سند رسمی شود اما در برخی موارد نیز ممکن است این امر ناشی از بروز برخی کم‌کاری‌ها باشد که باید به طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد تا علت اصلی مشخص شود. خداییان همچنین با تشریح برنامه‌های جدید این سازمان در سال جاری اعلام کرد: دوره جدید مدیریت سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در نظر داریم چند برنامه مهم را اجرایی کنیم که هدف از اجرای این برنامه‌ها تسریع و افزایش کیفیت خدمت‌رسانی به مردم در امور ثبتی است.

وی با اشاره به ۵ برنامه مهم که قرار است در دوره جدید مدیریت این سازمان مورد پیگیری و اجرا قرار گیرد از برنامه‌ریزی برای گسترش دامنه نظارت و بازرسی‌ها در این حوزه خبر داد.

خداییان کنترل نامحسوس نحوه و کیفیت خدمت‌رسانی به مردم از سوی دفاتر اسناد رسمی و ادارات ثبت را از مهم‌ترین این برنامه‌ها عنوان کرد و گفت: به طور قطع آثار مثبت کنترل نامحسوس ارائه دهندگان خدمات ثبتی به مردم بیش از کنترل و بازرسی محسوس آثار مثبت به همراه دارد و به همین دلیل سعی داریم از این پس این موضوع را به صورت جدی دنبال کنیم.

وی همچنین تلاش برای ایجاد شفافیت و گسترش آن در حوزه‌های ثبتی و فعالیت‌های مربوط به حوزه ثبت اسناد و املاک را از دیگر برنامه‌های مهم عنوان کرد و افزود: سیستمی الکترونیکی کردن سیستم‌های ثبتی و افزایش دامنه آن از مهم‌ترین سیاست‌های پیش‌روی سازمان ثبت اسناد و املاک است.

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور همچنین با اشاره به تلاش برای اجرا و تکمیل طرح کاداستر از عدم اختصاص همه منابع مورد نیاز برای اجرای طرح نبود نیروی متخصص به میزان کافی و همچنین عدم همکاری برخی دستگاه‌ها به عنوان مهم‌ترین موانع اجرای این طرح به‌رغم گذشت ۵ سال از تاریخ تصویب قانون کاداستر انتقاد کرد. وی همچنین با تاکید بر اهمیت ثبت رسمی اسناد مالکیت گفت: در صدد هستیم تا با تصویب لوایح و قوانینی استفاده از اسناد عادی در معاملات را محدود کنیم. وی فرهنگ‌سازی و گسترش فرهنگ ثبت اسناد به صورت رسمی و پرهیز از انجام معاملات با اسناد عادی را از مهم‌ترین عوامل کاهش دعاوی حقوقی در حوزه املاک یاد کرد.



به منطقه ۱۲ کرج بیش‌تر رسیدگی کنید!



شوند، تطبیقی با فرهنگ ساکنان منطقه ندارد و تهدیدی برای آن به شمار می‌آید.

مجموع این موارد سبب می‌شود افراد ساکن در این منطقه، حس تعلقی به محل زندگی خود نداشته باشند. پیش تر آنان اوضاع اقتصادی را بهانه‌ای برای زندگی در این بخش از شهر می‌دانند و عموماً مناطقی که مردم نسبت به محل زندگی خود تعصبی نداشته باشند، بستری برای ارتکاب جرم و جنایت ایجاد می‌شود.

هرچند گلابه های ساکنان این مناطق تمامی ندارد اما همین انتقادات دورنمایی کلی از مشکلات این منطقه برای مسئولان ایجاد می‌کند تا کمی با اوضاع زندگی ساکنان آشنا شوند؛ ساکنانی که هر سال امید دارند که مسئولان گره ای از مشکلات آن‌ها بکشایند اما متأسفانه، پس از گذشت سال‌ها، هنوز رضایتمندی واقعی از عملکرد مدیریت شهری حاصل نشده است.

پر از املاح است. بعضی اوقات رغبت نمی‌کنیم برای آب دادن به گلدان از آب شیر استفاده کنیم»

آسفالت خیابان‌ها هم به دلیل حفاری‌های متعدد کنده شده اما به گفته‌ی ساکنان متأسفانه شهرداری کاری برای درست کردن حفاری انجام نداده‌اند. در کیانمهر اما عمده گلابه‌ها مربوط به سگ‌های ولگردی است که در خیابان وجود دارد و آسایش ساکنان را مختل کرده. هم چنین نبود فضای فرهنگی مانند کتابخانه، فرهنگسرا و سینما از دیگر کمبودهای این محله است.

وجود زندان قزلحصار در این منطقه از جمله مشکلات بزرگی است که مهاجرپذیری کرج را به واسطه ورود خانواده زندانیان به این شهرستان، افزایش داده و این معضل را به این منطقه تحمیل کرده است. خرده فرهنگ‌های متفاوت مهاجران که عموماً نیز اطراف زندان ساکن می‌

رسیدگی اندک مسئولان به فضاهای عمومی، سبب ایجاد بوی نامطبوع در معابر شده است.

مدیرکل بازرسی شهرداری کرج در جلسه‌ای به این نکته اشاره کرده و گفته است که طی سه‌ماهه اول سال ۹۸ نیز بیش‌ترین تماس‌های مردمی در منطقه ۱۲ شامل تردد حیوانات مزاحم، وضعیت آسفالت و درختان، و معابر و خیابان‌ها بوده است.

سرانه‌ی فضای سبز برخی محلات در منطقه ۱۲ بسیار پایین است؛ ساخت و سازهای بی‌رویه و غیرمجاز نیز سبب قد کشیدن سازه‌های غیر اصولی و غیر استاندارد در تمام فضاهای منطقه شده است. نکته‌ای که مدیرکل بازرسی شهرداری کرج نیز از آن تحت عنوان معضل جدی منطقه ۱۲ یاد می‌کند و معتقد است باید سازوکار مناسب برای جلوگیری از افزایش واحدهای مسکونی که یک‌شبه بدون رعایت مسائل ایمنی ساخته می‌شود، تعریف کرد.

در خیابان گلستان غربی جنس مشکلات متفاوت است. موش و گربه به وفور در معابر دیده می‌شود. خرابه‌ها و اراضی بایر هم سال‌هاست به حال خود رها و تبدیل به فضای تجمع معتادان و اراذل و اوباش شده‌اند؛ مانند انتهای بوستان ۱۲ که گلابه اصلی یکی از اهالی است. زهرا آقامحمدی می‌گوید: «آب شرب مهدی آباد وضع خوبی ندارد و گاهی



نسترن کیوان پور
Nastaran.keyvanpour@gmail.com

برخی از مناطق کرج به دلیل شرایط خاص کالبدی و عملکردی فضاهای موجود در آن‌ها و گاه بی‌اعتنایی مسئولان به جامع‌ی خدمات و امکانات، سبب نارضایتی ساکنان می‌شوند. منطقه ۱۲ یکی از این مناطق در کلانشهر کرج است که دارای محلاتی محروم از امکانات است که در جوار محلات ثروتمندترین واقع شده. چندی‌ست مسئولان برای تامین سرانه‌ی فضای سبز و احیای آسفالت معابر در حال انجام اقداماتی هستند اما مشکلات این منطقه به قدری زیاد است که نیاز به توجه بیش‌تر و عزم جدی‌تری دارد.

به سطح منطقه می‌رویم تا بخشی از مشکلات محلات را پایش کنیم. از آق‌تپه که شروع کنیم با مشکلات فراوانی مواجه می‌شویم. ساخت و سازهای غیر مجاز و عدم رسیدگی مسئولان به این بخش از شهر، ساکنان را با مشکلات فراوانی مواجه کرده است؛ خیابان‌های خاکی و کثیف، نداشتن سطل زباله و

۴۹۹ هزار کودک تهرانی در جست‌وجوی کار یا شاغل!



ندارند، گفت: شهرداری به‌عنوان نهاد همکار با دستگاه‌های ذیربط در این موضوع با ایجاد مراکز پرتو و بهاران و در اختیار قرار دادن فضا و تجهیزات و همچنین ارائه آموزش‌های لازم با پدیده کار کودکان به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی موجودمقابله می‌کند و در این مسیر تلاش می‌کند که این پدیده شوم را کاهش دهد.

معاون رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ارتباط با کودکان کار در ایران گفت: دو نوع فقر شدید در باره کودکان کار در ایران وجود دارد، یکی کودکانی با فقر و آسیب و جود در البته آمار بسیار بالایی دارند و دیگری کودکانی هستند که اعتیاد دارند و فروخته می‌شوند و در شرایط بسیار بد کار می‌کنند. در هر صورت برای هر دو نوع کودکان شرایط سخت است، اما کودکانی که هویت ندارند، نمی‌توانند از طرف دولت خدمت‌رسانی شوند. احمد

تا ۱۷ سال ۴۹۹ هزار کودک مشغول فعالیت یا در جست‌وجوی کار هستند. در حقیقت در کل جهان ۱۵۲ میلیارد کودک کار وجود دارد که به این ترتیب از هر ۱۰ کودک در جهان یک کودک مشغول به کار است که البته در ایران بسیاری از کودکانی که مشغول به کار هستند، تابعیت ایرانی ندارند و معمولاً کارهایی همچون دستفروشی، گل‌فروشی، زباله‌گردی و فالگیری را انجام می‌دهند.

شهردار تهران با تأکید بر اینکه وضعیت کار کودکان در کلانشهرها حادتر است، گفت: با سخت شدن شرایط اقتصادی و نزول خانواده‌های متوسط به زیر خط فقر، موضوع کار کودکان نیز حادتر می‌شود.

وی ادامه داد: در کشور ما سازمان بهزیستی متولی این موضوع است که مراکز شبانه‌روزی نگهداری این کودکان و همچنین مراکز آموزش آنها را ایجاد کرده است اما شهرداری تهران با وجود اینکه در این حوزه وظیفه ذاتی بر عهده ندارد اما در کنار سازمان‌های مربوطه کمک می‌کند.

محمدرضا جوادی یگانه، معاون اجتماعی - فرهنگی شهرداری تهران هم در این مراسم با اشاره به اینکه کودکان در کشور متولی واحدی

۲۲ خرداد، روز جهانی مقابله با کار کودک بود، اما هنوز آمار دقیقی از تعداد کودکان کار در تهران در دست نیست. برخی آمارها تعداد کودکان فعال در حوزه کار را ۱۴ هزار نفر اعلام می‌کند که البته چندان قابل استناد نیست. در کنار نبود آمارها باید به مشکل نبود متولی هم اشاره کرد. بهزیستی، وزارت رفاه، شهرداری، کدامیک متولی اصلی کودکان کار محسوب می‌شوند؟

به گزارش دنیای هوادار به نقل از ایسنا، پیروز حناچی شهردار تهران گفت: شهرداری با تسهیل‌گری در کنار سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه کودکان است.

شهردار تهران با اشاره به آمار کودکان کار در جهان گفت: از هر ۱۰ کودک یک کودک در کل جهان ناگزیر به تحمل کار اجباری می‌شوند که این رقم در کشورهای کمتر توسعه یافته از هر ۴ کودک یک کودک مشغول به کار می‌شوند. این ارقام در جنوب آفریقا برای کودکان ۵ تا ۱۷ سال ۲۹ درصد، امریکای لاتین ۱۱ درصد، در خاورمیانه ۷ درصد مشغول به کار یا در جست‌وجوی کار هستند در کشور ما نیز بر اساس گزارش‌های رسمی مرکز آمار از بین ۹ میلیون کودک ۱۰

سه مدیر عامل استقلال در مظان اتهام



نظری جویباری بدون آنکه عکس العملی به آنها نشان داده شود، استقلال را تا آستانه‌ی محرومیت پیش برد.

حالا بعد از چندسال استقلال دوباره در همان وضعیت نگران کننده قرار گرفته است. ضرب الاجل فیفا برای پرداخت بدهی پروپنچ ۱۴ جولای (یعنی دقیقا سه هفته دیگر) است. و در صورت عدم پرداخت پول پنیچ و جرایم افزون بر آن، استقلال دو پنجره‌ی نقل و انتقالاتی در تمام رده‌های سنی محروم خواهد شد. در حکم فیفا حرفی از کسر امتیاز نیست اما در صورت تداوم امتناع از پرداخت بدهی تا دوسال دیگر، استقلال به دسته‌ی پائین‌تر تنزل داده خواهد شد

در ماجرای بدهی پروپنچ سه مدیرعامل باشگاه استقلال و معاونان‌شان در مظان اتهام هستند؛

سیدرضا افتخاری، بهرام افشارزاده و حسین فتحی

پرونده‌ی پرو پنیچ کروات هر روز بغرنج‌تر می‌شود.

مهاجمی که مرداد ۱۳۹۴ و در زمان مدیریت افشارزاده به استقلال آمد، عملکرد قابل قبولی نداشت و در نهایت با ۵ گل زده از جمع آبی پوشان جدا شد. به گفته کامران منزوی عضو هیات مدیره باشگاه استقلال زمانی که پنیچ از این تیم جدا شد، تنها ۳۰ هزار دلار آمریکا طلب داشت، اما بی‌توجهی به پیگیری‌های وکیل پنیچ باعث شد این بدهی با سود سالیانه و بر اساس حکم فیفا تا ۴۰۰ هزار دلار افزایش یابد.

البته چنین سهل‌انگاری‌های مهلکی در استقلال مسبقاً به سابقه است. سال ۱۳۹۲ و در زمان مدیریت علی فتح‌اله زاده، باشگاه آن قدر مطالبات رینالدو بازیکن پرویی را نادیده گرفت که بدهی ۸۰ هزار دلاری او به ۳۰۰ هزار دلار رسید و نهایتاً استقلال مجبور به پرداخت این مبلغ شد! در واقع ندانستن زبان انگلیسی و بایگانی شدن نامه‌های وکیل رینالدو و کمیته انضباطی فیفا توسط علی

یک ایرانی در کادرفنی در کنار برانکو؛

«فرزاد حبیب‌اللهی» هم به الاهلی می‌رود!

سرمربی کروات سابق پرسپولیس قصد دارد از عضو ایرانی کادرفنی خود در الاهلی سود ببرد. برانکو که به زودی کار خود در الاهلی را استارت زده از کادرفنی سابق خود در پرسپولیس در این تیم سود خواهد برد. بر این اساس گفته می‌شود علاوه بر زلاتکو ایوانکوویچ، پانادیچ و مارکو که دستیاران کروات این مربی در الاهلی خواهند بود، برانکو به مدیران الاهلی اعلام کرده قصد دارد از فرزاد حبیب‌اللهی نیز به عنوان آنالیزور تیم در عربستان سود ببرد.

حبیب‌اللهی که در کادرفنی برانکو در پرسپولیس کارهای مربوط به آنالیز بازی‌ها را انجام می‌داد نقش کلیدی در جمع دستیاران برانکو داشته و به شدت مورد اعتماد او قرار دارد و به همین دلیل قصد دارد وی را با خود در الاهلی هم همراه داشته باشد.

در این میان مشکلات سیاسی میان ایران و عربستان یک مانع بزرگ برای این همکاری است و باید دید در نهایت راهی برای عبور از آن پیدا می‌شود یا دستیار ایرانی برانکو نمی‌تواند او را در الاهلی همراهی کند.



مربیانی که هیچکدام میلیون دلاری نیستند

آقای عرب، آقای نبی؛ لطفا گران نخرید



سوی باشگاه نشده اما آنچه که هست اینکه رومو و کارنامه این مربیان به گونه‌ای نیست که باعث شگفت زدگی شود و مدیران پرسپولیس نیز نباید به خاطر شرایطی که الان دارند یک معامله بد انجام بدهند. تنها مری که درباره مبلغش تقریباً اتفاق نظر وجود دارد ماسیمو کارارا است که می‌گویند مبلغی حدود یک میلیون دلار دستمزد می‌خواهد. اما آیا او این مبلغ برای پرسپولیس می‌ارزد؟ آیا پرسپولیس در این شرایط هزینه کند؟ درست است که شرایط پرسپولیس بعد از جدایی برانکو و با توجه به فرصت کمی که تا مسابقات مانده کمی دشوار است اما این نباید آن‌ها را به سمت انجام یک معامله پرهزینه بکشاند.

نکته: این مربیانی که امروز در سبد پرسپولیس هستند هیچکدام به اندازه برانکو عنوان و افتخار و سابقه کار در جاهای مختلف دنیا را ندارند. شاید اگر قرار بود هزینه میلیون دلاری انجام شود، می‌شد خود برانکو را برای ماندن مجاب کرد و آن وقت شرایط کاملاً متفاوت بود.



ملی ایتالیا بوده است. او ۵۵ ساله است و در دوران فوتبالش در تیم‌های یوونتوس، باری، آتالانتا و ناپولی توپ زده است. در مربیگری نیز او هدایت تیم‌های جوانان یوونتوس را به عهده داشت. او مدتی دستیار آنتونیو کونته در یوونتوس و تیم ملی ایتالیا بود و سپس در سال ۲۰۱۶ به عنوان دستیار آلنیچف در اسپارتاک مسکو به کار گرفته شد. اما بعد از برکناری آلنیچف او به عنوان سرمربی تیم اسپارتاک انتخاب شد و توانست در آن سال با اسپارتاک قهرمان لیگ روسیه و سوپر کاپ این کشور شود. کارارا بعد از این موفقیت قراردادش را تا ژوئن ۲۰۱۹ با اسپارتاک تمدید کرد اما در پایان فصل ۲۰۱۷-۲۰۱۸ از کار برکنار شد. گفته می‌شود مبلغ بالای قراردادش با اسپارتاک باعث شده تا او یک سال را بیرون نشسته تا بتواند دستمزدش را از این باشگاه بگیرد.

مراقبت از جیب پرسپولیس
هنوز هیچ اظهارنظر رسمی درباره مبلغی که این مربیان مدنظر دارند از

ایرانی و مداری آلمانی است. او در زمان فوتبالش هافبک تهاجمی بود و بهترین دورانش بازی در وردربرمن در سال‌های ۹۹ تا ۲۰۰۱ بود و بعد از آن بیشتر در لیگ‌های رده پایین آلمان بازی کرد. نوری در سال ۱۳۸۴ توسط برانکو ایوانکوویچ به تیم ملی ایران دعوت شد اما مصدومیت مانع از آن شد که بتواند برای تیم ملی ایران بازی کند. او که در صورت حضورش در ایران برای ارتباط برقرار کردن به مترجم زبان آلمانی نیاز خواهد داشت در وردربرمن به عنوان یک پدیده در مربیگری فوتبال آلمان مطرح شد. نوری در ۳۶ سالگی روی نیمکت این تیم نشست و توانست این تیم قدیمی و پرطرفدار را در بوندس لیگا حفظ کند. او اما در فصل ۲۰۱۷ تنها چند هفته روی نیمکت وردربرمن نشست و با ۵ شکست، ۵ تساوی و فقط دو برد از کار برکنار شد. او سپس از هفته هفتم فصل بعد هدایت انگولشتات را به عهده گرفت و در هشت بازی که سرمربی بود بدون هیچ بردی با ۵ شکست و سه تساوی از کار برکنار شد.

اما رقیب جدی آکس نوری برای حضور در نیمکت تیم پرسپولیس یک مربی نسبتاً جوان ایتالیایی به نام ماسیمو کارارا است که بخش عمده‌ای از کارنامه‌اش را دستیار آنتونیو کونته در یوونتوس و تیم

جانشین او شده و توانست در نهایت کرواسی را به مقام دوم جام جهانی برساند. اما حالا با نیامدن چاچیچ به استانبول پرسپولیس‌ها یک گزینه جدید رو کرده‌اند. گزینه‌ای که نامش برای پرسپولیس‌ها آشنا است چرا چند سال پیش او گزینه اصلی هدایت این تیم بود و حتی در رای گیری که انجام شد بیشتری رای را آورد اما رونیان در نهایت مانوئل ژوزه را به ایران آورد. کالدرون ۵۹ ساله آخرین بار هدایت تیم فوتبال قطر را در کشور قطر به عهده داشت اما توسط مدیران این تیم برکنار شد. او که یکی از بازیکنان تیم ملی آرژانتین در جام جهانی ۱۹۹۰ بوده، هدایت تیم‌های الهلال و الاتحاد عربستان، بن یاس امارات، تیم ملی بحرین، رئال بتیس، تیم ملی عربستان و الوصل امارات را به عهده داشته است. آخرین جامی که کالدرون گرفته در سال ۲۰۱۱ و با تیم ملی عربستان در لیگ برتر این کشور بوده است.

الکساندر نوری و کارارا؛ با انگیزه‌ها
پرسپولیس اما در کنار مربیان با تجربه گزینه‌های جوانی را هم دارد که مطرح‌ترین و پرطرفدارترین آن‌ها الکساندر نوری بازیکن و مربی ایرانی-آلمانی است. نوری متولد سال ۱۳۵۸ در آلمان از یک پدر

کالدرون جایگزین چاچیچ
آنته چاچیچ مربی کروات زمانی که به عنوان یکی از شانس‌ها مطرح شد کمی گزینه‌های دیگر را به حاشیه برد. او ۶۵ ساله و همسن و سال برانکو است، اهل کرواسی با چهره‌ای شبیه برانکو که سبیل گذاشته و شاید بهتر است بگوییم به زلاتکو ایوانکوویچ برادرش. او در کارنامه‌اش یک قهرمانی در لیگ رده سوم یوگسلاوی سابق، قهرمانی در لیگ دسته دوم کرواسی، قهرمانی با دینامو زاگرب در سال ۲۰۱۱ در لیگ برتر و جام حذفی کشور کرواسی، قهرمانی با ماریبور در لیگ اسلونی، مقام سوم با لیبی در بازی‌های مدیترانه‌ای و سابقه حضور در رده هفتمین مربی ملی جهان در سال ۲۰۱۶ را دارد هرچند تنها ماجراجویی او خارج از یوگسلاوی که در آن به دنیا آمده، حضور در تیم ملی لیبی در سال ۲۰۰۵ بوده است. در واقع او تا به حال از بالکان پایش را بیرون نگذاشته است. چاچیچ البته خودش را از جمع گزینه‌ها خارج کرد و انطور که از ترکیه خبر می‌رسد او اعلام کرده به دلیل عدم شفافیت مالی با پرسپولیس مذاکره نمی‌کند. چاچیچ آخرین بار هدایت تیم ملی کرواسی را به عهده داشت اما وقتی کرواسی در آستانه عدم صعود به جام جهانی قرار داشت زلاتکو دالیچ

مدیران پرسپولیس برای مذاکره نهایی با سرمربی فصل آینده این تیم امروز به ترکیه سفر کرده‌اند و به نظر می‌رسد تا انتخاب مربی جدید زمان زیادی باقی نمانده است.

به گزارش «دنیای هوادار»، هنوز باشگاه به طور رسمی نامی از گزینه مدنظرش نیاورده است اما آخرین خبرها حاکی است که الکساندر نوری و گابریل شخصاً به استانبول آمده‌اند و ماسیمو کارارا مربی ایتالیایی وکیلش را برای مذاکره فرستاده است. این درحالی است که تا امروز صبح آنته چاچیچ کروات یکی از اصلی‌ترین گزینه‌های پرسپولیس بود اما گفته می‌شود او به خاطر مسایل مالی فعلاً قید مذاکره با سرخ‌ها را زده است.

کدام انتخاب بهتر است؟

پرسپولیس شرایط خاصی را تجربه می‌کند، چرا که باید یک مربی به جای برانکو بیابارد که بتواند مسیر موفقیت آمیزی که با او طی شده را ادامه دهد و حالا این سوال پیش می‌آید که از میان کالدرون، ماسیمو کارارا و الکساندر نوری کدام گزینه انتخاب بهتری هستند. هر کدام از این سه مربی دستکم با توجه به شناخت کلی که از آن‌ها وجود دارد نقاط ضعف و قوتی دارند.

مظاهری: حرف های مهمی برای هواداران دارم؛

مصاحبه؟ برای چند روز دیگر، فعلا تمرین!



خواهیم داشت. او در پاسخ به اصرار ما برای صحبت با هواداران تراکتور گفت: من مخلص هواداران هستم، در روزهای اخیر متوجه لطف آنها به خودم شدم اما می دانم آنها هم بیشتر موافق این هستند تا فعلا به تمرینات سخت خودم ادامه دهم و بتوانم با بهترین فرم به بازی های لیگ برسم. اصلا نمی خواهم حتی با یک درصد ناامادگی برای این هواداران به میدان بروم. گفتم که در اولین فرصت هم به مصاحبه ای مفصل می پردازم. هواداران بدانند قطعا حرف های شنیدنی و مهمی برای آنها خواهم داشت. با این حساب گلر ملی پوش تراکتوری ها فعلا به تمرینات اختصاصی خود زیر نظر مربی و همینطور به تمرینات عمومی خود در جمع سایر بازیکنان ادامه خواهد داد تا در زمان مورد نظر خود به بیان حرفهایش بپردازد.

جذاب و پر از منفعت برای تیریزی ها دانست. مظاهری که در شش فصل اخیر در تیم ذوب آهن حضور داشت و با حراست از دروازه این تیم موفق شد خود را به عنوان یکی از گلرهای کاربرد لیگ برتر معرفی کند، پس از مدت ها تصمیم به تغییر تیم خود را گرفت و از اصفهان راهی تبریز شد تا در این شهر و تیم پرشورها به کار خود ادامه دهد. چند روز پس از کوچ مظاهری از اصفهان به تبریز و آغاز تمرینات تراکتوری ها با او تماس گرفتیم

گلر تازه تراکتوری شده لیگ برتر، این روزها سخت سرگرم تمرین است. رشید مظاهری معتقد است او فعلا باید با تمرینات زیاد خود را با شرایط جدید هماهنگ کند. به گزارش «دنیای هوادار»، رشید مظاهری را می توان یکی از دروازه بان های مهم لیگ برتر دانست که در سال های اخیر به عنوان یکی از نفرات مورد نظر سرمربی تیم ملی در اردوهای مختلف بوده و به همین دلیل حضور او در تراکتور را می توان خریدی

نبرد با «تیم دوم» در حساس ترین هفته والیبال!
چرا عاقل کند کاری که باز آید پشیمانی؟! 

جمشید حمیدی

هایی چون ایران، فرانسه، ایتالیا و کانادا ما با یک پیروزی دیگر نیز شانس صعود خواهیم داشت اما چرا کولاکوویچ کار صعود را در اردیبهل تمام نکرده است لابد به هیچکس مربوط نیست، بعضی ها توی فدراسیون والیبال آنقدر به این آقا پارک الله می گویند که نمی شود پرسید چرا؟! از نگاه ما تیم ملی در مسابقات مقدماتی لیگ جهانی بسیار هماهنگ عمل کرد و به لطف پیروزی های خوبی که به دست آورد، موج جدیدی از گرایش عمومی به والیبال در سراسر کشور پدیدار گشت. اما غافل از اینکه با تعریف و تمجیدهای افراطی توقعات عامه را بالا می بریم و ممکن است با یک شکست همه چیز وارونه شود، البته امید بسیاری به صعود تیم ملی به دور پایانی لیگ جهانی داریم اما چرا غافل کند کاری که بار آید پشیمانی! نگاه ما به لیگ ملت ها همان نگاه سرمربی تیم ملی لهستان است. اول و آخر المپیک، بعد جام جهانی که پنج ماه دیگر در ژاپن برگزار خواهد شد و سپس لیگ ملت ها، اما با وجود تفاوت نگاه ها آنچه که برای ما مهم است سربلندی تیم ملی است اینکه عده ای آنها را شاید بر حسب منافع فکر کنید تیم ملی فقط متعلق به آن هاست، عوام فریبی است.

تیم ملی والیبال هنوز به دور پایانی لیگ ملت ها صعود نکرده، سرمربی تیم اسپانیا چه شده در حساس ترین بازی هفته چهارم تیم دوم را راهی میدان کرد تا بجزیم و تازه متوجه شدیم که حساب و کتاب های ما درست نبود و سایت فدراسیون جهانی هم احتمالات صعود را نوشته بود که ما ناغافل ماندیم. مربیان بزرگ دنیا لیگ را با بازیکنان جوان خود آغاز کرده بودند تا به تجارب لازمه دست پیدا کنند و در کارزارهای مهم عصای دست آن ها باشند. آنان نیروهای اصلی تیم خود را برای انتخابی المپیک و دور پایانی لیگ جهانی ذخیره کرده اند اما، اینگور کولاکوویچ بر عکس همه مربیان دنیا برای مسابقات مقدماتی همه نخبه ها را تور یک سید چید و حالا با چند بازیکن خسته و آسیب دیده باید به بلغارستان برود. البته چند احتمال برای صعود تیم ملی والیبال وجود دارد و ما فکر می کنیم در میان جنگ و گریز تیم

سوژه روز

پاراادیم غلبه باباز گشت سلبریتی ها؛

استراتژی دولت برای پرسپولیس چیست؟



مجید سعیدی

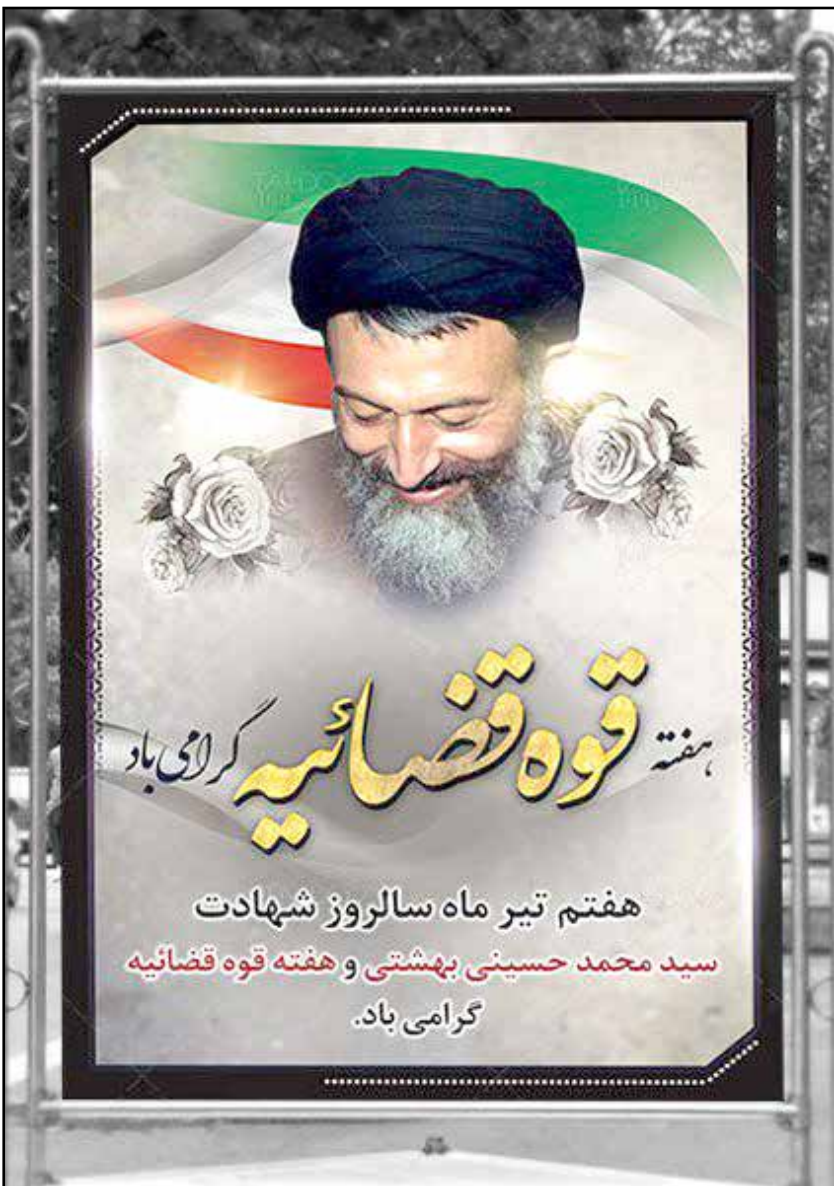
ناخوشایند احتمالی، به سراغ نظریه غلبه برونند و با بازگرداندن سلبریتی های این تیم نظیر طارمی و احمدزاده و البته حفظ بازیکنان فعلی، عملا از التهاب موجود بکاهند و فورا به موازات شروع تمرینات توسط کریم باقری، به استخدام یک مربی کارکشته کروات از جنس برانکو مبادرت نمایند. تا اینجای قضیه حرفی نیست و اتفاقا اقدامات ضرب العجل به لحاظ شکلی! خوبی صورت گرفته، اما نکته ابهام انگیز، التیام زخم طرفداران این تیم است.

طرفداران پرسپولیس همانقدر که هر جانشینی را به عوض برانکو بر نمی تابند و همچنان

خواهان استعفاء و برکناری هیات مدیره پرسپولیس می باشد، از احمدزاده و طارمی هم هیچ دلخوشی ندارد. طرفدار پرسپولیس هنوز سختی های ناشی از پنجره بسته را که طارمی عاملش بود از یاد نبرده، همانطور که فینال آسیا و ستاره ای را که تو مشتش بود و اگر احمدزاده از نیمه راه پرسپولیس را ترک نمی کرد، از دست نمی داد از یاد نبرده است.

با چنین نگرش مجلس و حمایت دولت از طریق وزارت ورزش حتی با فرار به جلورای حفظ موقتی هیات مدیره پرسپولیس بی فایده است. آن ها باید برونند...

جدایی برانکو و تجمع اعتراض آمیز طرفداران پرسپولیس به ناکارآمدی هیات مدیره پرسپولیس پای مجلس و دولت را به این ماجرا کشید. ماجرای که با افزایش دامنه آن و رسانه ای شدنش بعنوان ابزاری در دست گروه های معاند (!) موجب شد تا اندیشمندان علوم ارتباطات و اجتماعی و سیاسی در یک اقدام ضرب العجل با پیشگیری عواقب





نقد فیلم «دله دزدهای فروشگاه» کارگرد «خانواده» در نظام های سرمایه داری



محمد حسین سیفی

می رود». و میبینیم که دولت در اولین اقدام وقتی «شوتا» را دستگیر می کنند، او را به مدرسه می فرستند! علیرغم اینکه در ظاهر کاراکترها به سرنوشت تلخی که مخالف آن چیزی که دوست دارند دچار می شوند، اما فیلمساز از زبان «شوتا» و بوسیله یک افسانه ژاپنی راه امیدواری به آینده را باز گذاشته است. افسانه «سوئیمی» چیزی است که چندبار در فیلم نامش می آید و در یک سکانس، شوتا سوئیمی را اینگونه تعریف میکند: «سوئیمی ماجرای چند ماهی کوچک است که وقتی یاد می گیرند مثل یک ماهی غول آسا شنا کنند، موفق می شوند یک ماهی تون بزرگ را شکست بدهند!»

فیلمساز دست روی موضوع حساسی همچون «خانواده» دست گذاشته است که در اکثر جوامع به خصوص جوامعی که با معیارهای سرمایه داری همخوانی دارند، جزو خطوط قرمز محسوب می شود. اساسا داشتن نگاه ساختارشکنانه به مفهوم خانواده کار تازه ای در سینما به حساب نمی آید اما «دزدان فروشگاه» جزو آن دسته از فیلم هاست که پا را از داشتن ایده صرف فراتر می گذارد و به سمت آسیب شناسی مفهوم «خانواده» در بستر جوامع مدرن حرکت می کند. لذا تماشای این فیلم برای هر مخاطبی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

خانواده اصلیش باز میگردد وجود دارد که اولاً یوری ایدا از وضعیتش راضی نیست و ثانیاً مادر واقعی یوری، غذای مورد علاقه دخترش را نمی شناسد اما «بوبویو» به عنوان مادر انتخابی از آن مطلع است. همچنین «شوتا» نیز تا انتهای فیلم از گفتن «پدر» به کاراکتر «اوسامو» خودداری می کند و درست زمانی به او «پدر» می گوید که به خانواده اصلیش بازگردانده شده است.

با این تفاسیری که گفته شد، فیلمساز خانواده را از شکل «عادت واره» آن خارج می سازد و سعی می کند این مفهوم را به عنوان یکی از ابزارهای مورد استفاده در «خشونت نمادین» به دست دولت ها معرفی کند. خشونت نمادین، نوعی از خشونت است که با همدمستی ضمنی کسانی که این خشونت بر آن ها اعمال می شود به انجام می رسد. چنین خشونتی، تحمیل کننده اطاعت هایی است که با اتکا بر «انتظارات جمعی» و «باورهای درونی شده» از نظر اجتماعی فهمیده می شوند. لذا خشونت نمادین بر باز تولید باورها استوار است و نظام آموزشی، یکی از نهادهای عمده ای است که از طریق آن خشونت نمادین در مورد انسان ها اعمال و باز تولید می شود. برای همین است که در خانواده تریسمی به دست کورئیدا هیچ کس «مدرسه» نمی رود چرا که اعتقادشان بر این است که «هرکس نتواند بخواند به مدرسه

در باب کلیت خانواده باید گفت که گفتن خانواده ای که مردم شناسان به آن ارجاع می دهند، گفتمانی قدرتمند و سازنده است. اما در جوامع مدرن و البته نظام های مبتنی بر سرمایه داری، عامل اصلی «مصنوع سازی» مقوله های رسمی که به میانجی آن ها مردم و ذهنیت ها جهت دار و ساختارمند می گردند، «دولت» است. دولتی که با استفاده از تمام ساز و کارهایی که از آنها برخوردار است، اثرات اقتصادی و اجتماعی را در پی ممکن کردن نوع خاصی از خانواده به کار میگیرد تا در روزگار سخت به کمکش بیاید.

از این رو کلید دست یابی به موضوع کارگردان نسبت به جامعه هدفش، بررسی این نکته است که در وهله اول خانواده به شکل رایج در جوامع یک بر ساخت و مصنوع به دست دولت هاست. به یاد بیاورید صحنه های متعددی که فیلمساز از زبان کاراکتر «بوبویو» جمله هایی همچون «اینکه فقط کسی رو به دنیا بیاری، مادرش میشی؟»، «گفتن پدر اصلا مساله مهمی نیست، باید پدرت را حس کنی» و یا «خانواده وقتی قوی تره که خودت انتخابشون کنی» و... از طرفی، طبقه حاکمیت نیز به دست فیلمساز به نوعی «مستبد»، «بی رحم» و البته «دروغگو» ترسیم شده است تا پیوند میان این خانواده ساختارشکن را از هم گسسته سازد و آن شکل مرسوم خانواده را در ذهن شان فرو کند؛ به یاد بیاورید دروغ هایی که پلیس به «یوری»، «آکی» و «شوتا» گفتند تا آن ها را نسبت به خانواده جدیدشان بدبین سازند. اما در نهایت می بینید که جمع بندی فیلمساز اینگونه است که دل آن ها پیش خانواده انتخابی خودشان است و حتی صحنه ای در انتهای فیلم پس از اینکه یوری پیش

بکشد و با ایستادن کنار آن ها، سعی در معرفی نوع دیگری از سبک زندگی دارد که با سبک زندگی رایج در جامعه و چیزی که حاکمیت به جامعه تحمیل می کند همخوانی ندارد و به نوعی می توان گفت جامعه این شکل ساختارشکنانه از زندگی را پس می زند. علت نگاه نزدیک به مارکسیسم موجود در نقد اساسا کدهایی است که فیلمساز در فیلم گذاشته است؛ مثل روابط بر پایه «پول» و مناسبات اقتصادی ای که کورئیدا برای کاراکترهایش تعریف کرده است. به یاد بیاورید سکانشی که سایاکا به اوسامو می گوید که او و معشوقه اش با «پول» به یکدیگر متصل اند. اما نکته اینجاست که فیلمساز قصد دارد کاراکترهایش را از قید و بند این مناسبات رها سازد و به مفهوم عمیق تری همچون «خانواده» بپردازد اما خانواده نه به مثابه چیزی که در جوامع سرمایه داری رایج است.

مفهوم «خانواده» به شکلی در فیلم به نمایش در می آید که اساسا با ذهنیت قبلی مخاطبانش تفاوت های آشکار دارد. فیلمساز قصد دارد که این مفهوم را از «عادت واره» بودن خارج کند و جهان بینی عمیق تری از آن چیزی که رایج شده است به مفهوم «خانواده» ببخشد. شخصیت های اصلی فیلم، اعضای یک خانواده هستند که اساسا هیچگونه نسبت «خونی» با یکدیگر ندارند و هر یک به شکلی از زندگی نکبت بار قبلی شان در آمده و عضو این خانواده شده اند. بدین معنا که آن ها با «انتخاب خودشان» تصمیم گرفته اند عضوی از این خانواده باشند. آن ها از پیر و جوان گرفته تا نوجوان و کودک، هیچ یک آدم هایی از پیش باخته نیستند و از همه مهمتر برای زندگی کردن ایده مخصوص به خود را دارند.

بهترین فیلم جشنواره «کن» سال گذشته، از جمله فیلم های مهم دهه اخیر سینماست که مرور زمان اهمیت این فیلم را مشخص خواهد کرد. فیلمی که علاوه بر روایت قصه سرراستش، به طرح مسائل عمیق جامعه شناسانه می پردازد و آن ها را واکاوی می کند. فیلم «دزدان فروشگاه» (به انگلیسی Shoplifters)، قصه آدم هایی است که گویی در جامعه مدرن ژاپن دیده نمی شوند. آدم هایی که شیوه دیگری برای زندگی برگزیده اند که از اساس خلاف جریان طبیعی است و اتفاقا با این شیوه زندگی نیز از بودن در کنار یکدیگر و ساختن یک «خانواده» انتخابی به دست خودشان، احساس خوشبختی می کنند. «هیروکازو کورئیدا»ی کارگردان، در لایه های زیرین اثرش جامعه کنونی و مدرن ژاپن را هدف گرفته است و به خوبی جامعه هدفش را نیز نقد می کند. رویکردی که فیلمساز اثر نسبت به جامعه اش دارد، تنها مختص به کشوری همچون ژاپن نیست و اساسا کشورهایی که در دام سرمایه داری افتاده اند هم دچار این چالش ها می شوند.

کورئیدا با تقسیم جامعه انسانی حاکم بر فیلمش به سه طبقه فرادست، فرودست و طبقه حاکمیت و سپس همراهی با فرودست های قصه، سعی دارد تلاش و مبارزه این طبقه از آدم ها را برای بقا در جامعه به تصویر

معرفی کتاب

«رنج های ورت تر جوان»

یوهان ولفگانگ گوته ::



آغاز می شود. بخش عمده کتاب به شکل نامه هایی است که شخصیت اصلی کتاب خطاب به دوستش، ویلهلم نوشته است و از عشق نافرجامش می گوید. از آدم هایی که با بدخلقی به همدیگر آزار می رسانند و پیوسته در خاطرات ناگوار گذشته غرق شده اند. نویسنده تمام جزئیات مربوط به معشوقه اش را در این کتاب بدون کوچکترین تغییری به تصویر می کشد و این باعث رنجش خاطر زوج جوان می شود. با خواندن رنج های ورت تر جوان ممکن است تا مدت ها به فکر فرو روید. دلان به حال ورت تر خواهد سوخت و چه بسا با او همذات پنداری خواهید کرد، اما واقعیت این است که یک عشق نافرجام همواره جاودان خواهد ماند. ورت تر یک رمان عاشقانه متفاوت است، احتمالاً متفاوت تر از هر رمان عاشقانه ای که تا به حال خوانده اید. از خوب و عمیق بودن این کتاب هر چقدر بنویسیم کم است.

گوته زبان گویای روزگار پرتلاطم خود بود، پایه گذار ادبیات نوین جهانی شد و بیش تر آثارش هم به ادبیات جهانی راه یافته است. این رمان نخستین داستان تراژدی از نوع مدرن است. این تراژدی، که از عملکرد گناه و عامل شر خالی است، اثری پیشگام در مبارزه با کهنه اندیشی قرون وسطایی و به سهم خود راهگشای فکری انقلاب بزرگ فرانسه شمرده می شود. این رمان بزرگترین موفقیت ادبی گوته به شمار می رود و در میان آثار این ادیب بزرگ آلمانی بیش ترین ترجمه را به خود دیده است. متن فرانسوی این اثر را ناپلئون بیش از هفت بار خوانده است.

همان طور که از عنوان کتاب هم پیداست، گوته از رنج های جوانی به نام ورت تر می نویسد که بی شباهت به دوران جوانی خودش نیست؛ از دنیای درون انسانی با رفتاری متفاوت، کمی پیچیده و البته شدیداً عاشق پیغمبر می نویسد. ورت تر رنج می کشد، چون عاشق بانویی به نام لوتنه است که نامزد دارد. رنج می کشد چون دستش به او نخواهد رسید. توصیفات بی نظیری که از رنج درونی راوی داستان ارائه شده است، آن قدر زیباست که این اثر کوتاه را به شاهکاری در ادبیات تبدیل کرده است.

داستان این کتاب از روز چهارم ماه مه در سال ۱۷۷۱

معرفی موسیقی

«همه چیز زیبا بود و صدمه ای نمی زد»

موبی ::



موبی پس از انتشار دو آلبوم با حال و هوای پانکی خشمگین که با گروه وید پاسیفیک کر کار کرده بود به آنچه واقعا خوب انجام می دهد بازگشته است؛ یعنی فضاهای الکترونیک سرزنده و پراحساسات.

اگر آلبوم های وی پی سی (وید پاسیفیک کر) نمایش بیرونی خشم و ناامیدی موبی از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۶ بود آلبوم «همه چیز زیبا بود و هیچ مشکلی وجود نداشت» واکنش افسردگی زده و درون گرایانه او به سقوط اجتماعی ناشی از این انتخابات است. آلبوم علی رگم حال و هوای مالیخولیایی که آن را در خود غرق کرده همچنان مجموعه زیبایی است که عمدتاً در تریپ هاپ و ماحصل آن بیش از هزاره سوم ریشه دارد و چند نشانه از لحظات آرام تر آلبوم پیش خواننده.

روی بخش اعظم آلبوم سایه های جدی و محزون می اندازد. قطعه Welcome to Hard Times گروهی هیپنوتیزم کننده را می سازد که بهترین جای تجربه اش زمانی است که در حال نوشیدن آخرین لیوان خود پیش از پایان یافتن جهان هستی در حالی که قطعه «درخت ناراحتی» سعی می کند با تپش خود اضطراب و تنش تولید کند. قطعه «اعتدال رفته است»

تعمقی غمزه درباره زندگی و اشتباهات گذشته کاملاً خالی از امید است و موبی در آن با چنین عباراتی سوگواری می کند: «هرگز آزاد نخواهم بود/ همیشه گرفتار چیزی خواهم ماند که هرگز نخواهم بود». با این حال، در لایه زیرین همه اینها گرمایی است که کورسوی امید را نوید می دهد. موبی در قطعه This Wild Darkness به دنبال دلیلی برای ادامه دادن است. در ترجیع بندهای این قطعه صدای خواننده پس زمینه را می شنویم که می گوید: «در این تاریکی/ راهم را روشن کن» و این راه زیبایی برای هدایت مخاطب به پایان آلبوم است. گویی موبی مخاطب را به آغوش امن موسیقایی خود می خواند. در واقع او خود نیز پس از چنین آلبوم تلخ، غمگین و اعتراف گونه ای به این آغوش نیاز دارد.



استخدام کرده اند. با این رویه ای که فدراسیون پیش گرفته، تنها باید امیدوار بود که افتضاح های تازه ای در فصل پیش رو به بار نیاید.

طبق برنامه لیگ باید جلو برود

یکی از معضلاتی که فصل پیش به دفعات تیم های لیگ برتری با آن دست و پنجه نرم می کردند، تغییر روزهای مسابقات یک هفته پیش از تاریخ اعلام شده بود! در هیچ جای دنیا به این شکل نیست که تغییر آتی در برنامه لیگ بوجود بیاید؛ حداقل از یک الی دو ماه زودتر تیم ها می دانند که بازی شان در فلان روز کمی عقب جلو شده است. فصل گذشته بخاطر لیگ قهرمانان آسیا، اردوهای تیم ملی و... بارها و بارها بازی پرسپولیس و... عقب یا جلو افتاد و این قطعه تیم های مقابل را متضرر می کرد.

تقویم لیگ قهرمانان و روزهای فیفا همین حالا هم مشخص است. مسئولان سازمان لیگ باید با توجه به این دو نکته، برنامه لیگ را «غیر قابل تغییر» بچینند و اگر قرار است تغییری هم رخ دهد از دو ماه زودتر پیش بینی شود. اینگونه نباشد که ما هر روز شاهد مصاحبه یکی از تیم ها باشیم که در فلان روز بازی نخواهیم کرد! این مساله برای آبروی فدراسیون هم خوب نیست.

ممکن است بازی ها برای بازبینی صحنه ها متوقف شود؟ اگر داوری به شکل سال گذشته باشد، قطعا به طور میانگین هر بازی لیگ بیشتر از ۹۶ دقیقه طول خواهد کشید که بخش زیادی بخاطر توقف برای بازبینی صحنه هاست! لذا بهتر نیست ابتدا ضرب اشتباهات پایین بیاید؟

قراردادها باید حرفه ای شوند

فدراسیون فوتبال ایران به کل خودش را از مساله نظارت بر قراردادهایی که باشگاه ها امضا می کنند کنار کشیده است و هیچ نهادی را هم مامور به این امر نکرده است. نتیجه این مساله چیزی جز این است که به یک باره سر و کله بندهای عجیب غریب در قراردادهای باشگاه ها با بازیکنان و مربیان پیدا می شود؟ آخرین نمونه اش همین قرارداد «وینفرد شفر» بود که قراردادش بندی داشت که طی آن دستمزد شفر در فصل دوم بیشتر از دوبرابر فصل اول حضورش در ایران می شد! آخر سر که پول باشگاه هایی همچون استقلال و پرسپولیس را باید دولت بپردازد، چرا پس هیچ نهادی روی قراردادهای این دو باشگاه نظارت نمی کند تا آخر فصل همه کاسه چه کنیم چه کنیم دستشان نگیرند؟ همین حالا تیم های بزرگ لیگ برتری سرمربی های خارجی

باید ها و نبایدهای فصل جدید لیگ برتر (۲)

از داوری ها تا برنامه لیگ

فصلی خوب امیدوار بود؛

بدون VAR، وضعیت داوران باید بهبود یابد

در فصلی که گذشت، تیمی نبود که از داوری ها گلایه و شکایت نداشته باشد؛ از پرسپولیس قهرمان بگیرد تا تیم های سقوط کرده ای همچون استقلال خوزستان، همه و همه از کیفیت داوری ها ناراضی بودند و به جرئت می توان که درصد زیادی از آن ها به حق بود. این به حق بودن اعتراض ها، باید مسئولان فدراسیون را به این مساله وا دارد که از ریشه این مساله را بررسی کنند و در جهت بهبود شرایط داوری لیگ برتر قدم بردارند. داوران ایرانی کمترین دستمزد ممکن را در بدنه فوتبال می گیرند؛ برای هر قضاوت ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومن واقعا رقم ناچیزی است که تمام میل و رغبت داور در امر قضاوت را در نطفه خفه می کند!

اما فدراسیون فوتبال به جای حل مساله داوران، راهکار گرانتری برای این مساله اتخاذ کرده است و آن اضافه کردن سیستم کمک داور ویدئویی از فصل بعد به لیگ برتر است. اتفاقی که در ظاهر می تواند مثر باشد اما آیا به این وجه قضیه فکر شده است که اگر آمار اشتباهات مانند فصل گذشته بالا باشد، چندین و چندبار



مهدی تیموری

زمان زیادی تا آغاز فصل تازه ای از رقابت های لیگ برتر نمانده است و از نوزدهمین دوره آن به زودی پرده برداری خواهد شد و کمتر از یک سال دیگر نیز، این دوره قهرمان و مدعیان خودش را خواهد شناخت. فصلی که گذشت، به فوتبال ما نشان داد که کاستی های زیادی وجود دارد و برطرف نشدن آن ها کماکان فوتبال ما را از دنیای «حرفه ای» در این رشته ورزشی دور نگه خواهد داشت. اتفاقی که امروز برای مثال در رشته «والیبال» کشورمان در حال رخ دادن است به هیچ وجه اتفاقی و شانسی نیست و حاصل یک برنامه ییزی مدون در جهت حرکت به سوی «حرفه ای» شدن است. روز گذشته سه مورد از خلا های بزرگ فوتبال ایران در مسیر حرفه ای شدن را بر شمردیم و امروز در همان راستا قصد داریم به معرفی دیگر ضعف های فوتبال ایران بپردازیم که اگر برطرف نشوند نمی توان خیلی به داشتن

دریچه



بررسی کارنامه جذاب ترین گزینه

نیمکت پرسپولیس؛

«الکس نوری» جذاب و خطرناک!

حدود ۴ سال و نیم قبل که برانکو به ایران آمد، پرسپولیس یک تیم بحران زده بود که یک گزینه مطمئن استخدام کرد. برانکو هم در لیگ های کرواسی و چین سابقه قهرمانی داشت و هم در ایران، نشان داده بود راه موفقیت را خوب می شناسد. حالا پرسپولیس، یک تیم قدرتمند است اما بین گزینه های آینده اش، مربی بزرگ و کارنامه داری در حد باشگاه دیده نمی شود.

بر اساس منابع مختلف، پرسپولیس روی دو گزینه برای جانشینی برانکو تمرکز کرده است. یک گزینه، الکساندر نوری است و گزینه دوم، یک مربی خارجی دیگر. با این حال، فعلا نوری شانس بیشتری برای نشستن روی نیمکت سرخپوشان دارد. مربی که هیجان انگیز است اما انتخاب او، ریسک بالایی خواهد داشت.

نوری در مجموع، کمتر از ۳۰ ماه سابقه سرمربیگری دارد. در این مدت، افتخاری بدست نیاورده و روزهای موفقیت و کامیابی اش هم به یک اندازه بوده اند. مهمترین تجربه مربیگری نوری و عامل شهرت او، به وردربرمن مربوط می شود. نوری سپتامبر ۲۰۱۶ که وردربرمن فصل را با سه باخت پیاپی آغاز کرده بود سرمربی موقت این تیم شد. نوری به عنوان مربی موقت، تیم را از خطر سقوط دور کرد و نیم فصل دوم، اوج گیری باورنکردنی داشت. تیم او در یک مقطع از ۱۱ بازی، ۹ بازی را برد و کاندیدای سهمیه لیگ اروپا شد. هر چند سه باخت در سه هفته آخر، باعث شد با یک رده اختلاف سهمیه را از دست بدهند. هشتم شدن با برمنی که در رده هجدهم تحویل گرفته بود، حسابی نوری را در آلمان معروف کرد. هر چند در بقیه کارنامه، اوضاع برای نوری به این خوبی جلو نرفت.

نوری بعد از موفقیت روزهای ابتدایی، فصل بعد هم روی نیمکت وردربرمن نشست. فصلی که برای او وحشتناک آغاز شد. برمن از ۱۰ بازی ابتدایی فصل، هیچ بردی بدست نیاورد و با ۵ امتیاز در رده هفدهم قرار داشت. بعد از یک سال بیکاری، نوری به اینگولشتات در بوندسلیگا ۲ رفت و ۲ ماه بیشتر دوام نیاورد. او از ۸ بازی روی نیمکت این تیم، ۵ بازی را باخت و سه بازی مساوی کرد و اخراج شد. از آخرین برد الکساندر نوری به عنوان سرمربی، ۲ فصل می گذرد. او نه در فصل ۱۷/۲۰۱۷ روی نیمکت برمن و نه در فصل ۱۸/۲۰۱۹ روی نیمکت اینگولشتات بردی بدست نیاورد و از هر دو تیم اخراج شد.

نوری بخاطر کاراکتر جذابش، چهره محبوبی در آلمان محسوب می شود و شور و هیجان زیادی به پرسپولیس خواهد آورد. کارنامه او اما، به دو بخش متفاوت تقسیم می شود. شروع مربیگری در اولدنبورگ و وردربرمن که با کارنامه درخشانی همراه بود و ادامه راه در برمن و اینگولشتات، که ناکامی مطلق داشت. انتخاب او برای پرسپولیس، شور و هیجان زیادی به نیمکت تیم می آورد و اما تابلوی نتایج، ممکن است زیاد هیجان انگیز نباشد.



کی روش پس از پیروزی مقابل پاراگوئه؛

VAR کودک کی است که باید استعدادهایش شکوفا شود!



بازداشت نکنند چون فکر می کنم می شود بهتر از اینها از آن برای ارتقای سطح فوتبال بهره برد. به نظر من می شود تغییراتی در آن اعمال کرد. VAR مانند یک کودک است و وقتی که ما کودک هستیم باید به حرف بزرگترها گوش کنیم و از آنها یاد بگیریم. VAR کودک کی است که باید استعدادهایش شکوفا شود.

می گویند، استفاده از فناوری برای کمک و بالا بردن اعتبار فوتبال است و در این باره تردید ندارم. با این حال با شیوه استفاده از آن و مفاهیمی که پشت به کارگیری این فناوری وجود دارد، مخالفم. نظرها متفاوت است و فوتبال هم بازی عقاید است. امیدوارم مرا به خاطر اینکه می گویم موافق این شیوه استفاده از VAR نیستیم،

کارمان را پیش ببریم. تا این مقطع از کوپا آمریکا همه چیز خوب بوده اما من قبل از بازی مان مقابل پاراگوئه هم اطمینان داشتم اوضاع اینگونه خواهد بود. ما با ۲۲ بازیکن حاضر و آماده پا به این رقابت ها گذاشته ایم. کی روش سپس به انتقاد از عملکرد کمک داور ویدئویی در رقابت های کوپا آمریکا پرداخت. کمک داور ویدئویی در این دوره از رقابت ها به خصوص در بازی برزیل مقابل ونزوئلا که سه گل میزبان رقابت ها را مردود اعلام کرد، جنجال بزرگی به راه انداخته است و شب گذشته نیز اتفاقی مشابه برای کلمبیایی ها رخ داد.

سرمربی سابق تیم ملی ایران در این خصوص اظهار داشت: «درباره VAR نظری ندارم. هیچ نظری ندارم. فقط می گویم یکی از افرادی هستم که

کی روش پس از پیروزی یک بر صفر مردانش مقابل پاراگوئه، در ارزیابی عملکرد شاگردانش به خبرنگاران گفت: «مایلم به همه بازیکنانم تیمم به خاطر عملکردشان در این بازی و بازی های قبلی تبریک بگویم. آنها واقعا خوب بودند و بازی کارآمدی ارائه کردند. بازیکنان من در عمل به مسئولیت های شان واقعا شخصیت نشان دادند و من هم راضی ام اما در نهایت معتقدم بهتر است ما به جای بازیکنان دربار تیم صحبت کنیم.

کی روش افزود: همه بازیکنان من برای این بازی آماده بودند. معیار بازی ما احتیاط بوده و با پتانسیل و شایستگی بازیکنان مان آماده این رقابت ها بودیم. بازی را بردیم و مطمئنم با گزینه هایی که داریم، می توانیم در بازی های بعدی هم